

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۷

بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی در رمانهای ایرانی (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ شمسی)
(ص ۲۶۴-۲۵۱)

صفورا مصلحی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر سید احمد کازرونی^۲، دکتر شمس الحاجیه اردلانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

همواره میان ادبیات و جامعه رابطه‌ای مستحکم و ناگسستنی وجود داشته است. آثار ادبی در هر شکلی که باشند، بسان آیینهای هستند که گوشه‌هایی از جامعه و مسایل جاری در آن را بازتاب میدهند. رمان به عنوان یکی از مهمترین و پر مخاطبترین گونه‌های ادبی، تا حدود زیادی از واقعتهای اجتماعی سرچشمه میگیرد. رمانهای ایرانی نیز از بدو زمان شکلگیری تاکنون، همواره از اوضاع و احوال جامعه تأثیر پذیرفته‌اند. بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی در ده رمان منتخب از دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ ش، هدف مقاله حاضر بوده است. شیوه انجام پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که رمان به عنوان یکی از کاملترین انواع ادبی قادر است به پژوهش جامعه شناسی پاسخ مثبت دهد.

کلمات کلیدی: ادبیات، رمان، مضامین اجتماعی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

safouramoslehi@gmail.com

۲. استاد و عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

sahkazerooni@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

ardalani_sh@yahoo.com

مقدمه

بحث رابطه میان جامعه و ادبیات از دیرباز میان اندیشمندان مطرح بوده است. با پیوند یافتن این دو مبحث با یکدیگر، علم جامعه‌شناسی ادبیات^۱ پدید می‌آید. پژوهشگر جامعه‌شناسی ادبی "محتوا و درون مایه مطرح در آثار ادبی را به مثابه وسیله‌ای برای بررسی میزان انعکاس تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه میکند." (نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، عسگری: ص ۶۹).

رمان به عنوان یکی از پر مخاطب‌ترین گونه‌های ادبی، در بسیاری از مواقع به بازتاب عادات، رفتار و حالات بشری، دغدغه‌های اجتماعی و تحولات تاریخی سیاسی پرداخته و به نحوی از انحاء، شالوده جامعه را در خود منعکس ساخته است.

"رمان در عین اینکه از منطق جمال‌شناسی لاینفک و ذاتی برخوردار است، منطق آن همیشه موافق با منطق جامعه است." (جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، زرافا: ص ۹)

پرداختن به مسائل مرتبط با اجتماع، جزء یکی از برجسته‌ترین دغدغه‌های ذهنی رمان‌نویسان است. از آنجا که مشخص نیست رمان‌های نگارش یافته در دهه‌های اخیر، تا چه میزان در انعکاس اوضاع و احوال اجتماعی توفیق داشته‌اند، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی در ده رمان منتخب از دهه‌های هفتاد و هشتاد اختصاص یافته است تا بتواند به این سوال پاسخ دهد که کدام یک از واقعیات اجتماعی در این آثار بازتاب یافته‌اند.

روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. در این راستا، رمان‌های منتخب از دهه‌های هفتاد و هشتاد که عبارتند از: خانه ادیسیپها، سال بلوا، جزیره سرگردانی، من او، درخت انجیر معابد، چراغها را من خاموش میکنم، ویران می‌آیی، رود راوی، رویای تبت و نگران نباش، مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و با بررسی این آثار، به شناسایی و تبیین مضامین اجتماعی مندرج در آن خواهیم پرداخت.

در زمینه جامعه‌شناسی ادبی رمان، پژوهشهایی صورت پذیرفته است که از آن جمله میتوان به کتاب "جامعه‌شناسی در ادبیات" از هدایت اله ستوده اشاره کرد که در سال ۱۳۷۸ توسط نشر آوای نور به چاپ رسیده است. وی در این اثر، به شرح و تحلیل اندیشه‌های اجتماعی در آثار نظامی، سعدی، فردوسی، و ... میپردازد. "نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی" از روح الامینی که در سال ۱۳۷۵ توسط نشر آگاه منتشر شده است در رابطه با موضوعاتی چون مردم‌شناسی در منظومه درخت آسوریک، بررسی رفتار و کردار اجتماعی در اردو ویراف‌نامه و ... میباشد. مقاله "جامعه‌شناسی رمان معاصر فارسی" از محمد غلام که در سال ۱۳۸۳ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی به چاپ رسیده، پژوهشی

درباره نقد رمان اجتماعی است. کتاب "نقد جامعه شناختی رمان معاصر فارسی" از عسگری که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید، در اصل رساله‌ای دانشگاهی در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی است که نویسنده در آن به نقد ده رمان برگزیده معاصر از دیدگاه جامعه‌شناسی میپردازد که عبارتند از: چشم‌هایش، مدیر مدرسه، شوهر آهوخانم، تنگسیر، سووشون، باغبور، رازهای سرزمین من، سمفونی مردگان، جای خالی سلوچ و نیمه‌غایب.

۱. جامعه‌شناسی در ادبیات

ادبیات و جامعه با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند. از ارتباط این دو موضوع با یکدیگر، علم جامعه‌شناسی در ادبیات یا جامعه‌شناسی ادبی پدید می‌آید که به عنوان دانشی میان رشته‌ای^۱ درباره ساختار اثر و ارتباط آن ساختار با جامعه بحث و بررسی میکند. "نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، عسگری: ص ۶۸). جامعه‌شناسی ادبیات، مطالعات خود را بر محتوای آثار و جوهر اجتماعی آن در روابط متقابل جامعه و ادبیات متمرکز میکند. (پژوهش‌های میان رشته‌ای در مطالعات ادب فارسی، رحمدل و فرهنگی: ص ۳۹). در مبحث جامعه‌شناسی در ادبیات که جورج لوکاک^۱ و لوسین گلدمن^۲ از بزرگترین نظریه پردازان آن محسوب میشوند، توجه عمده به "بررسی محتوای اثر ادبی و رابطه آن با جامعه‌ای است که در آن خلق شده است." (نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، عسگری: ص ۶۱). ایپولیت تن^۳ (۱۸۲۸_۱۸۹۳) به عنوان بنیانگذار علم جامعه‌شناسی ادبیات، آثار ادبی را بازتاب آداب و رفتار و خلیات عصر نویسنده میدانند و معتقد است که ادبیات نتیجه تعامل سه دسته عوامل است: زیستی، فرهنگی و تاریخی. (همان: ص ۵۷)

رمان به عنوان یکی از مهمترین انواع ادبی، میتواند آینه تمام‌نمای جامعه خویش باشد. میلان کوندرا^۴ بر این باور است که رمان نه تنها اعترافات نویسنده، بلکه کاوشها و کند و کاوهایی است در پیرامون چند و چون و وضعیت زندگی بشری، در دنیایی که به دام مبدل شده است. (هنر رمان، میلان کوندرا: ص ۷۵). شاید مهمترین دلیلی که رمان را قادر ساخته است تا واقعیات زندگی انسان را به خوبی بازتاب داده و از عهده انعکاس عادات و حالاتش برآید، این باشد که "رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها، شاید به جز سینما، بطور مستقیمتری از پدیده‌های اجتماعی مایه میگیرد و با وجود آنکه رمانها غالباً وابسته به لحظات خاص تاریخ جامعه هستند، هنگام مطالعه آنها باید توجه داشته باشیم که با نوعی هنر سر و کار داریم." (جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، زرافا: ص ۹)

1. George Lykack
2. Louis Goldman
3. Hippolyte Taine
4. Milan Kundera
5. Michel Zeraffa

۲. بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی

الف) نمود تاریخی - سیاسی

در میان رمان‌های منتخب، بُعد تاریخی - سیاسی؛ خانه ادرسیه‌ها، سال بلوا، جزیره سرگردانی، من او و ویران می‌آیی جلوه قابل توجهی دارد. مضمون اصلی خانه ادرسیه‌ها، حوادث پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ روسیه است. حوادث داستان در شهر "عشق آباد" ترکمنستان رخ می‌دهد. عده‌ای از انقلابیون با نام مستعار "آتشکار"، به منظور احیای حقوق قشر کارگر و زحمتکش وارد شهر میشوند و سعی میکنند شوکت و اقتدار طبقه اشراف را در هم شکسته و عدالت اجتماعی برقرار نمایند.

"نویسنده، برای انقلاب، رنگ سیاه در نظر گرفته است با نشان دیلم ایستاده بجای رنگ سرخ و داس و چکش؛ و ترکیبات استعاری "آتشکار" و "آتشخانه مرکزی" و "بزرگ آتشکار" و "قهرمان" را بجای مصطلحات حزبی آن دوران برگزیده است." (جامعه‌شناسی رمان معاصر فارسی، غلام: ص ۱۶۶)

سال بلوا از نظر تاریخی به اواخر سلطنت رضاشاه و سالهای جنگ جهانی دوم مربوط میگردد. نویسنده در این اثر بارها نسبت به خصوصیات اخلاقی رضا شاه، با شیوه‌های انتقادی برخورد کرده و از زبان سرهنگ نیلوفری از او با عنوان "قلدر آلاشتی نامرد" یاد میکند. (سال بلوا، معروفی: ص ۵۶). روسها به عنوان بخشی از ارتش متفقین و به بهانه حضور جاسوسان آلمانی، بخشهایی از خاک ایران را تحت سیطره خویش در می‌آورند. "روسها شهر را در قرق داشتند، سربازهای موبور و چشم زاغ روس، گله به گله با اسب پاس میدادند." (همان: ۷۲)

مسترملکوم در این اثر، یک آلمانی منفعت طلب است که به بهانه پُل سازی "تنور جنگ را گرم نگه میدارد تا بتواند ثروت ملی را بردارد و بگریزد." (صد سال داستان نویسی ایران، میرعابدینی: ص ۱۴۸۴)

رمان جزیره سرگردانی آینه‌های است که در آن میتوان بسیاری از مسائل تاریخی - سیاسی و "سرگردانی ایدئولوژیک" (نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، عسگری؛ ص ۱۷۶) نسلی متعلق به دهه ۱۳۵۰ را به تماشا نشست. دانشور در این رمان که برخی نامش را استعاره‌ای از ایران بشمار می‌آورند (بررسی داستان امروز، مهرور؛ ص ۲۴۴) در قالب شخصیت‌های مراد چپ‌گرای رادیکال، سلیم مذهبی و اشخاص حقیقی همچون؛ ملکی، آل احمد، شریعتی و مصدق به تجزیه و تحلیل ایدئولوژی‌های احزاب گوناگون می‌پردازد. از دیگر موضوعات رمان، انعکاس حضور و دخالت بیگانگان در کشور با وارد کردن شخصیت‌هایی مانند "مستر هیتی"، "کراسلی"، "سر ادوارد" و به فضای رمان است. اصلاحات ارضی و مسائل مرتبط با آن

نیز نمود قابل توجهی در این رمان دارد. (جزیره سرگردانی، دانشور: ص ۷۸)
فضای تاریخی-سیاسی حاکم بر رمان من او، سال ۱۳۱۲ شمسی تا سالهای پس از جنگ را در بر میگیرد. تبلیغات حکومتی برای کشف حجاب و پیامدهای آن، به بهترین نحو ممکن در این اثر منعکس شده است.

"پوشیدن لباسهای قدیم - چادر و پوشه و پیچه - منحصر خواهد شد به زنهای بد سابقه، چرا که آنها ممنوع هستند از پوشش جدید که خانمهای محترمه پوشیده و خواهند پوشید." (من او، امیرخانی: ص ۳۲۲)

در این اثر، تجلی مبارزات آزادی خواهانه و استعمار ستیزانه را در فعالیتهای مجاهدانه شخصیت حقیقی "مجتبی نواب صفوی" و شخصیت داستانی "ابوراصف الجزایزی"، میتوان به نظاره نشست. "مجتبی کم حرف بود اما زیادی میدانست. کسی از زندگی او خبری نداشت. به او میگفتند مجتبا صفوی." (همان: ص ۵۰)

سیاست و مسائل مربوط به آن، موضوعی است که بشدت در رمان ویران می آیی، بازتاب یافته است. نویسنده در این اثر با پرداختن به وضع و حال دانشجویانی نظیر روزبه و عبدالهی "به حال هوای سیاسی و دانشجویی دهه هفتاد ایران رو میکند." (گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران، تعلیمی؛ ص ۲۶۸).

"با سه چهار تا از بچه ها پیش دو سه تا از، بقول خودش، نظریه پردازهای گردن کلفت چپ هم رفته‌اند و آنها هم گفته‌اند که چشم امید جنبش ترقی خواه کشور به دانشجویها است و فعلا بیشتر بار پیش بردن این جنبش به دوش شماست." (ویران می آیی، سنپور: ص ۸)

ب) نمود اجتماعی - فرهنگی

بی تردید یکی از اساسیترین دغدغه‌های رمان نویسان، بازتاب رخدادها و مسائل گوناگون اجتماعی - فرهنگی در آثار خویش است. نویسندگان برآنند تا با انعکاس چنین مضامینی در رمانهای خود، تصویر واضحتری از اجتماع را ارائه دهند. در ادامه این مطلب به بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی - فرهنگی مندرج در رمانهای منتخب دهه هفتاد و هشتاد خواهیم پرداخت.

ب-۱) سیمای زن و وضعیت او

زنان در رمان خانه ادریسیها با دو چهره اشرافی و فقیر به تصویر کشیده میشوند. لقا، خانم ادریسی و خواهر زاده‌هایش که "جامه‌های لطیف رنگ روز به تن میکردند" (خانه ادریسیها، علیزاده، ج ۱؛ ص ۹۸) متعلق به دسته نخست و زنانی مانند پری، ترکان، کوب، شوکت و مادرش در دسته دوم جای میگیرند. زنان این رمان - اعم از اعیانی و فقیر - به شدت مطیع مردان و مجبور خواست و اراده آنها هستند.

"زنهای خانواده از دم تسلیم و قربانی بودند: لوبا، خانم ادیسی و رحیلا، هر یک پذیرنده تقدیر محتمل." (خانه ادیسیها، علیزاده، ج ۲؛ ص ۷)

با همه این اوصاف، رنج کشیدن موجب تعالی روح این زنان شده و ماهیتی فرا زمینی به آنها بخشیده است. (اسطوره‌های زن محور، مونسان؛ ص ۴۸۴)

نوشافرین رمان سال بلوا، زنی مظلوم است که در دوران پهلوی اول زندگی میکند. با وجود اینکه او در خانواده‌ای به نسبت روشنفکر و مرفه پرورش یافته و لیکن تمام حقوق انسانی‌اش توسط همسر خسیس، عربده‌کش و شکاکش پایمال می‌گردد، بدون اینکه او یارای اعتراض صریح و بر پاخاستن در برابر آن را داشته باشد. (سال بلوا، معروفی؛ ص ۵۸).

در رمان جزیره سرگردانی، "هستی" که به قولی از پشتیبانی تمام و کمال نویسنده برخوردار است (جلوه‌هایی از ادبیات سیاسی امروز ایران، سرشار؛ ص: ۷۹) نماد زنان روشنفکر قبل از انقلاب است که بر سر دو راهی سنت و مدرنیته، پرداختن به فعالیتهای اجتماعی یا خانه نشینی و موضوعاتی از این دست، سرگردان بوده اند. استقلال اقتصادی زنان، حقوق برابر زن و مرد و ... از مسئله‌های مهم زن در رمان مذکور است. "میدانی سلیم، من به یک معنا فمینیست هستم. آیا مرا همین طور که هستم می‌خواهی؟" (جزیره سرگردانی، دانشور؛ ص ۸۲).

کلاریس در رمان پیرزاد، زن ارمنی تحصیل کرده‌ای است که با وجود داشتن قابلیت انجام برخی فعالیتهای اجتماعی، تمام وقت خود را به خانه داری و رتق و فتق امور منزل اختصاص داده است. وی نمونه آن دسته از زنانی است که فرو رفتن در مرداب روزمرگیهای زندگی - بدون آنکه خواست و هدفی واقعی را دنبال کنند - آنها را کلافه و سردرگم کرده است. در برابر کلاریس محصور در چهار دیواری خانه، میتوان به خانم عبدالهی اشاره کرد که به عنوان یک زن فعال و آگاه به مسائل روز جامعه، در انجمن دفاع از حقوق زنان به فعالیت مشغول است.

"خانم نور الهی داشت میگفت: باز هم تکرار میکنم که اولین خواست و هدف بانوان ایران داشتن حق رای است." (چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد؛ ص ۷۷).

زنان در رمان رود راوی، به صورت موجوداتی ضعیف و شکننده نمایانده میشوند که پیوسته تحت استثمار جنسی مردان قرار دارند. گایتیری، زنی روسپی است که باردار گردیده، بدون اینکه پدر فرزندش را بشناسد. (رود راوی، خسروی؛ ص ۲۱۵).

زیور نیز به حال و روزی شبیه گایتیری دچار است. اوج برخورد غیرانسانی یک جامعه خرافی با جنس زن هنگامیست که پی میبریم زیور "از نذوراتی بوده که به دارالمفتاح رسیده" است. (همان؛ ص ۳۱). خود راوی داستان نیز فرزند نامشروع زن هندوی بی پناهیست که پس از بهره برداری جنسی، به شکلی دردناک به کام مرگ فرستاده میشود. (همان؛ ص ۱۲۳).

فروع در رمان رویای تبت، نمونه‌ای از یک زن سنتی است که توسط تفکرات پوسیده

جامعه ای مرد سالار قربانی گشته است. او زن بیچاره ای است که به دلیل عقیم بودن محکوم به جدایی از همسر محبوبش می گردد.

شیوا بر خلاف فروغ، زنی امروزی و مصمم است که همواره سعی دارد الگوی دیگران باشد. (رویای تبت، وفی؛ ص ۲۳) او به منظور تحقق بخشیدن به آرزوهایش و زندگی با مردی دیگر تصمیم میگیرد که بروی تمامی موازین یک جامعه سنت زده پا بگذارد و لو به قیمت زیر سوال رفتن "سلامت عقلانی و اخلاقیش" تمام شود. (همان؛ ص ۳۷)

ب-۲) خانواده و جایگاه آن

در رمان چراغها را من خاموش میکنم، خانواده به عنوان نهادی ارزشمند معرفی میگردد. کلاریس با وجود دلخوریهای ریز و درشتش از آرتوش، همواره با دیده احترام به زندگی مشترکشان مینگرد و یک دور هم جمع شدن ساده او را غرق در مسرت میسازد. (چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد؛ ص ۵۹). اهمیت خانواده و زندگی زناشویی را در علاقه آلیس به ازدواج و خانواده دوستی نینا نیز میتوان مشاهده نمود.

در رمان ویران می آیی، پلهای ارتباطی میان اعضای خانواده درهم شکسته است. میان پدر و مادر روزبه، رابطه سردی حکمفرماست. مادر روزبه زنی است مادینگر و خودرایی که "ساخته شده است که برای خودش و دیگران تصمیم بگیرد." (ویران می آیی، سنپور؛ ص ۱۵۸) و پدر روزبه مردی سرخورده از سیاست و منزوی است که با تن دادن به این وصلت ناجور "خیال کرده است از سیاست میگریزد." (همان؛ ص ۱۲۵). و برای روزبه هرگز این مسئله قابل درک نیست که پدر "چرا با مادرش ازدواج کرده است." (همان؛ ص ۱۲۵). عدم سنخیت فکری والدین موجب گردیده که روزبه، خانه پدی را ترک کند تا نبیند که "پدر چطور به اراده مادر به مهمانی کسانی میرود که بیشتر از خرید و فروش پیمان ارزی و تفاوتش در دبی و ایران، چیزی نمیدانند." (همان؛ ص ۱۴۶).

در رمان رویای تبت، سست شدن تدریجی پایه های یک زندگی و فرو پاشیدن آن به تصویر کشیده میشود. شیوا و جاوید زوجی به ظاهر خوشبختند ولی انتظارات برآورده نشده شیوا از رابطه با جاوید، موجب میشود که وی همسر و فرزندش را رها کرده و خوشبختی را در جایی فراتر از خانواده اش جستجو کند. "رابطه آدمها یک روز هست و یک روز نیست و اگر کسی تضمینی بدهد دروغ گفته است." (رویای تبت، وفی؛ ص ۷۹).

در رمان نگران نباش با خانواده ای از هم گسیخته مواجهیم. مینو، زنی است که "یا توی آرایشگاه بود، یا توی یکی از مهمانیهای دورهاش یا توی بوتیکهای جردن" (نگران نباش، محب علی؛ ص ۳) و همسرش فارغ از دغدغه های خانواده، سرش به "لاس زندهای عاطفی با دانشجویهایش" گرم است. (همان؛ ص ۱۳). میان این زوج نوعی طلاق عاطفی اتفاق افتاده و حاصل این زندگی، فرزندان نابهنجار مانند شادی و آرش است.

ب-۳) فاصله طبقاتی

رمان خانه‌ ادیسیها از نظر طبقاتی دارای دو سطح است. در یک سطح، قشر مستضعف جامعه نظیر قهرمان شوکت، کوکب، ترکان و ... با بدبختیها و فلاکتشان تصویر شده اند و در سطح دیگر، خانواده‌های اشرافی و مرفه‌ی که ادیسیها نمونه‌ اعلاى آن میباشند.

دانشور در رمان جزیره سرگردانی، در برابر اشرافیت و رفاه خانواده "گنجور" و "فرخی"، از مردمان شهر حلب سخن میگوید که در جنوبترین نقطه تهران سکونت داشته، با فقر، محرومیت و بیماری دست و پنجه نرم کرده و روزگارشان با "پوست خیار، پوست بادمجان، کدوی لهیده و .." زباله‌دانیها میگذرد. (جزیره سرگردانی، دانشور؛ ص ۲۳۲)

در یک سوی دنیای دو قطبی که امیرخانی در رمان من او خلق میکند، گودنشینانی مثل خانواده اسکندر قرار میگیرند که طعم تلخ فقر را با گوشت و پوست و استخوان احساس کرده‌اند و در طرف مقابل خانواده‌های توانگر حاج فتاح و قاجار که بعضاً معتقدند که "پیش آهنگ با گودی رفاقت نمیکند." (من او، امیرخانی؛ ص ۵۱).

ب-۴) بازتاب خرافات، باورهای باطل و فرقه‌گرایی

میرزا حبیب رزم آرا در رمان سال بلوا، فردی مزور و خدعه‌گر است که با دستگاه نعلبکی وار اختراعیش خانه به خانه می‌گردد و قبله‌های مردم - که به زعم او اغلبشان کافر و بی دینند- را صاف میکند.

"به ما گفت که هیچگاه رو به خدا نماز نخوانده‌ایم، رو به هندوستان ایستاده‌ایم، همه عبادات ما باطل است." (سال بلوا، معروفی؛ ص ۳۶).

بی شک عقاید و باورهای خرافی برجسته‌ترین دغدغه رمان درخت انجیر معابد است. "نقش باورهای اعتقادی مردم در تحولات اجتماعی" را میتوان در افسانه‌پردازیه‌ها و عقاید خرافه آلود مردمی بی‌بصیرت در پیرامون معجزه‌ها و کرامات درختی به نام انجیر معابد به تماشا نشست. (بیداردلان در آینه، آقایی؛ ص ۴۰۸). عقاید و باورهای خرافی در این اثر که "رمانی است واقع‌گرای نمادین." (داستان‌نویسهای نام‌آور معاصر ایران، میرصادقی؛ ص ۱۶۶) میتواند نماد و نماینده اعتقادات باطلی باشد که مردم در گوشه و کنار دنیا، به نوعی با آن خو گرفته و روزگار میگذرانند. موضوعاتی از قبیل فرقه‌گرایی، تحریف دین و ترویج باورهای دروغین در ذیل عنوان مذهب، مضمون غالب رمان رود راوی را شکل میدهد. در این اثر "کیا" که راوی رمان میباشد به معرفی یک فرقه مذهبی غیررسمی به نام "مفتاحیه" میپردازد و چنانکه از تعاریف وی برمی‌آید، "مفتاحیه" نام مذهبی باشد سراسر قبض و حبس و زجر." (نقدهایی بر ادبیات داستانی معاصر ایران، کرم پور؛ ص ۲۵۴).

اولیای مفتاحیه که معتقدند نژادشان از جنس خاک نبوده بلکه به "سحابی درخشان آسمان

بازمیگردد." (رودِ راوی، خسروی؛ ص ۲۰۵) پیوسته به زندیق بودن متهم و تکفیر میشوند. آنها بر این باورند که آدمی تنها با انجام مراسم تسعیر، قطع عضو و درد کشیدن است که تطهیر شده و ارزش دوباره خود را بازمیابد. "رنجی که جسمت خواهد برد عین رستگاری میباشد. بنابراین رنج تسعیر به آن لذتِ فرخنده‌ای منجر خواهد گشت که حضرت مفتاح میفرماید." (همان؛ ص ۴۳) رهبران این فرقه، نماینده افرادی دغلباز و فریبکار میباشند که در عصر صنعت و تکنولوژی به ترویج افکار و اندیشه‌های خرافه آلود، تحت عنوان مذهب میپردازند.

ب-۵) بازتاب عشق

در رمان خانۀ ادریسیها مشاهده میکنیم که زندگی شخصیت‌های اصلی رمان، - خانم ادریسی و وهاب - در لحظات پر تشویشی که با ناآرامیهای جامعه و حوادث مختلف اجتماعی نشأت گرفته از انقلاب آمیخته شده، با عشق و عواطف انسانی پیوند یافته و گره میخورد. بارزترین تجلی عشق را میتوان در لحظۀ همراه شدن خانم ادریسی با معشوق روزگار جوانیش - قباد - نظاره‌گر بود. (خانه ادریسیها، علیزاده، ج ۲؛ ص ۳۰۵).

نوشافرین رمان سال بلوا در تب عشق حسینای کوزه‌گر میسوزد. معروفی میکوشد داستان این عشق را در توازی با افسانۀ عاشقانه شیرین و فرهاد قرار دهد که همواره در یاد و خاطره جامعه ایرانی جاری بوده است. "فرهاد سنگ تراش من! وقتی خدا میخواست تو را بسازد چه حال خوشی داشت، چه حوصله‌ای!" (سال بلوا، معروفی؛ ص ۲۱).

نویسنده در رمان منِ او، عشق زمینی را با مفاهیم عرفانی در هم می‌آمیزد. مهتاب، بسان ریسمانی است که علی را به وادی عشق الهی کشانده و سالک راه حق میگرداند. (منِ او، امیرخانی؛ ص ۵۵۳).

در فضای رمان ویران می‌آیی، عشقی آمیخته با احساس تعهد سایه افکنده است. فردوس به صورت آشکار و روزبه به شیوه‌ای پنهان، نسبت به یکدیگر متعهدانه عشق میورزند. نمود این حس در شخصیت فردوس قویتر است، بویژه هنگامیکه مشاهده میکنیم وی پس از دستگیر شدن، هر شکنجه‌ای را بجان میخرد اما نامی از روزبه بر زبان نمی‌آورد. (ویران می‌آیی، سنپور؛ ص ۱۰۲).

در رمان رویای تبت، سه رابطه عاشقانه جریان دارد. رابطه عاشقانه شعله و مهرداد، نماینده‌ای از فراوان احساسهای سطحی و زودگذری است که با وارد شدن شخصی ثالث به این رابطه - ورود صادق به زندگی شعله - به دست فراموشی سپرده میشود.

احساس شیوا و شعله نسبت به صادق، نمونه‌ای از عشقهای کلیشه‌ای مثلثی است. هر دو خواهر دلباخته صادق هستند و این شخصیت، دل در گرو عشق شیوا دارد.

فروغ با وجود اینکه از محمدعلی طلاق گرفته و همسر مردی دیگر گشته و لیکن رویای عاشقانه زندگی گذشته، هرگز او را رها نمیکند و همیشه به این فکر میکند که "دنیا بدون

محمد علی فایده‌داره". (رویای تبت، وفی؛ ص ۱۵۳).

ب-۶) بازتاب دین و مذهب

مفاهیم دینی و آموزه‌های مذهبی در رمانهای مورد بررسی، انعکاس بسیار ضعیفی دارد و تنها در رمان "من او" و "چراغها را من خاموش میکنم" به چنین موضوعاتی پرداخته شده‌است. خانواده مفتاح در رمان "من او"، انسانهایی معتقد و باایمانند. حاج فتاح همواره سعی دارد تا چراغ شریعت را در خانه‌اش روشن نگاه دارد. رعایت حجاب که فقط "رو گرفتن از نامحرم نیست." (من او، امیرخانی؛ ص ۱۱۲)، تسلیم محض بودن در برابر خداوند (همان؛ ص ۱۱۲) و اظهار ارادت به امامان شیعه، از جلوه‌های مذهبی این رمان است.

زویا پیرزاد در رمان خویش به موضوع لزوم اتحاد و یکپارچگی میان تمام قومیتها و ادیان میپردازد. (چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد؛ ص ۱۹۸).

ب-۷) انعکاس آیین و رسوم اقلیتهای مذهبی

معروفی در رمان سال بلوا، در قالب رفتار و کردار جاوید، به انعکاس آیین و رسوم اقلیت زرتشتی میپردازد. جاوید در پاسخ به تهمت آتش پرست بودن، میگوید که: "من آتش پرست نیستم. من یکتای بی همتا را میپرستم." (سال بلوا، معروفی، ص ۱۴۸).

با توجه به اینکه رمان "چراغها را من خاموش میکنم" به قلم نویسندگانی ارمنی نگارش یافته است، بسیاری از آداب و رسوم و مناسبات زندگی ارمنه، نام خوراکیهای محلی (چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد؛ ص ۱۲۴)، گرفتن فال قهوه، رابطه اقلیت ارمنه با حاکمیت و ... در رمان مذکور بازتاب یافته است.

کلاریس درباره فاجعه بیست و چهار آوریل و نسل کشی ارمنه معتقد است که: "این همه آدم کشته شده. ارمنی هم نباشی، باید متأسف باشی و در مراسم شرکت کنی." (همان؛ ص ۱۲۸)

ب-۸) انعکاس جنگ، آشوب و ناامنی

در رمان "سال بلوا" و در شهر "سنگسر"، نیروهای حکومتی با عدهای یاغی وارد نبردی طولانی و طاقت فرسا شده‌اند. (سال بلوا، معروفی؛ ص ۳۱). در پی این آشوبها، گرسنگی و فقر بر شهر سایه می‌افکند تا جایی که مردم "به خاطر یک ران گوشت همدیگر را جر میدادند." (همان؛ ص ۲۹).

معروفی در این اثر به مسئله جنگ میپردازد تا دریابیم که چگونه زندگی مردم معمولی به موجب آن، گرفتار تباهی و نابودی می‌گردد.

موضوعاتی مانند شهادت و منزلت والای شهدای گمنام از جمله مضامینی است که در رمان "من او" به آن پرداخته میشود. "شهید آورده‌اند که استخوانهایش هم باید خاک شده باشد، هنوز در دهانش بزاق دارد." (من او، امیرخانی؛ ص ۵۹۶).

ب-۹) آسیب‌ها و معضلات اجتماعی

احمد محمود در رمان "درخت انجیرِ معابد"، نگاهی ژرف به معضلاتی نظیر اعتیاد و خودکشی دارد. در این اثر افسانه توسط همسرِ دومش - مهندس مهران - به دام اعتیاد گرفتار شده و زندگیش تباہ می‌گردد. (درختِ انجیرِ معابد، محمود، ج ۱؛ ص ۱۴۴). فرامرز نیز در پیِ مادرش، در ورطه ویرانگرِ اعتیاد فرو می‌رود و سرانجام فرزانه آذرپاد، زیر بار درد و مصیبت از هم فروپاشیدن بنیان خانواده، کمر خم کرده و اقدام به خودکشی میکند. (همان؛ ص ۲۰۳).

محب علی در رمان "نگران نباش"، با پرداختن به دخترانی نظیر الهام، سارا و شادی، به بازتاب ناهنجاریهای اخلاقی مانند فحشا، تن فروشی، تمایلات همجنس‌گرایانه و زندگی در خانه‌های تیمی می‌پردازد. (نگران نباش، محب علی؛ ص ۱۱۲).

موضوع اعتیاد و تأثیرش بر سرنوشت جوانان از دیگر نمونه‌های آسیب‌های اجتماعی نمایانده شده در این اثر است.

ب-۱۰) انعکاس فضایل و رذایل اخلاقی

رمان "جزیره سرگردانی" از نظر اخلاقی دارای دو بعد است؛ در یک طرف آن عشرت و احمد گنجور قرار دارند که چنانکه نامشان گویای آن است "نوستالژی اشرافیت دارند." (جزیره سرگردانی، دانشور؛ ص ۱۶۹) و در آن هرزگی و فساد غوغا میکند و در سوی دیگر، جهان ساده و بی‌پیرایه توران که بر محور تقوا، عفت و رعایت ارزشهای اخلاقی می‌چرخد. رمان "من او" قصه نبردِ ابدیِ نیکی و بدی است. در برابر انسانهای فرومایه‌ای نظیر "دریانی" و "پاسبان عزتی"، شخصیت‌هایی مانند "حاج فتاح" و "علی" قرار می‌گیرند که وجودشان مملو از انسانیت است. در سراسر رمان، روحیه جوانمردی، بخشندگی و لوطیگری در سیمای این دو فرد موج می‌زند. حاج فتاح معتقد است که "هیچ سری به خودش، به تن خودش نگاه نمی‌کند. همیشه به رفیقش به تن رفیقش نگاه می‌کند. این اول لوطی‌گریه." (من او، امیرخانی؛ ص ۱۶)

محب علی در رمان نگران نباش، تقابل انسانیت و شرارت را در سیمای دو برادر به نامهای بابک و آرش به نمایش گذاشته است. بابک؛ دلسوز، فداکار و ناجی اعضای خانواده (نگران نباش، محب علی؛ ص ۱۱) و آرش؛ فردی با کلک‌سیونی از رذایل اخلاقی معرفی میشود که در لحظات بحرانی حتی به خانواده خود نیز رحم نمی‌کند. (همان؛ ص ۲۸۰).

ب-۱۱) ارزش علم، هنر و ادبیات

در رمان "خانه ادیسیها" از شخصیت‌هایی چون لقا، رکسانا و یونس نام برده میشود که زندگیشان با هنر و ادبیات گره خورده است. لقا، پیر دخترست که آرزوهای برباد رفته جوانیش "در چشمه موسیقی زنده میشود." (خانه ادیسیها، علیزاده؛ ص ۱۷). رکسانا،

هنرپیشه‌ای محبوب و سرشناس است و یونس شاعریست که روز و شب در کمین سرایش شعری جدید، به انتظار مینشیند. (همان؛ ص ۱۱). نویسنده درباره‌ی ارزشمندی کتاب و اهمیت مطالعه، در قالب شخصیت وهاب به وفور سخن گفته است. این شخصیت، گرایش عمیقش به کتاب را میراثی از جانب مادر بشمار می‌آورد. (همان؛ ص ۲۵۳).

در "رمان سال بلوا"، سیطره فقر فرهنگی بر جامعه و بی‌ارزش شمردن علم و دانش را مشاهده میکنیم. نویسارین جوان با وجود علاقه بسیار، از تحصیل باز میماند، زیرا در جوامع عقب مانده بر این باورند که دختران "لازم نیست بروند مدرسه، مگر چی یاد میگیرند؟ فوقش میشوند مثل معلمهاشان، ما لازم نداریم." (سال بلوا، معروفی؛ ص ۱۱۳).

ب-۱۲) بازتاب آداب و رسوم ایرانی

در میان رمانهای بررسی شده، تنها سیمین دانشور است که در جزیره سرگردانی، به صورت مفصل در قالب مراسم نوروزی که احمد گنجور برای میهمانان خارجی تدارک دیده است، به انعکاس آیین و رسوم و هویت ایرانی میپردازد.

"حاجی فیروز به راهنمایی تقی خان با دایره زنگیش به تالار جنبی آمد، با لباس قرمز و کلاه شیپوری." (جزیره سرگردانی، دانشور؛ ص ۱۳۲).

نتیجه‌گیری:

بعد از مطالعه و بررسی دقیق رمانهای منتخب از دهه‌های هفتاد و هشتاد، به این نتیجه میرسیم که سایه برخی وقایع تاریخی - سیاسی بشدت بر فضای بعضی از این آثار سایه افکنده است. بیشترین نمود تأثیر سیاست و تاریخ بر اوضاع و احوال اجتماعی را در رمانهای خانه ادرسیها، سال بلوا، جزیره سرگردانی، من او و ویران می‌آیی میتوان ملاحظه نمود. مسئله "وضعیت زن و جایگاهش در جامعه" یکی از دغدغه‌های رمانهای خانه ادرسیها، سال بلوا، جزیره سرگردانی، چراغها را من خاموش میکنم، رود راوی و رویای تبت بوده است. بازتاب اشکال مختلف "عشق و عواطف انسانی" نیز موضوعی است که نویسندگان رمانهای خانه ادرسیها، سال بلوا، من او، ویران می‌آیی، رویای تبت به آن پرداخته‌اند. توجه به "نهاد خانواده و جایگاه آن" در رمانهای چراغها را من خاموش میکنم، ویران می‌آیی، رویای تبت، و نگران نباش، انعکاس قابل توجهی داشته است.

"فاصله طبقاتی" و تصویر وضعیت زندگی قشر مرفه و فقیر را میتوان در رمانهای خانه ادرسیها، جزیره سرگردانی و من او مشاهده نمود. بازتاب "دین و مذهب" و مفاهیم مرتبط با آن در آثار منتخب ضعیف بوده و تنها در رمانهای من او و چراغها را من خاموش میکنم، تا حدودی به آن توجه شده است. "خرافات، باورهای باطل و فرقه‌گرایی" از موضوعات برجسته سال بلوا، درخت انجیر معابد و رود راوی میباشد.

نمود "جنگ، آشوب و ناامنی" در رمانهای سال بلوا و من او، "آیین و رسوم اقلیت‌های

۱۰. خانه ادیبیها، علیزاده، غزاله، جلد اول، تهران، نشر تیراژه (۱۳۷۰).
۱۱. خانه ادیبیها، علیزاده، غزاله، جلد دوم، تهران، نشر تیراژه (۱۳۷۱).
۱۲. اسطوره‌های زن‌محور، مشخصه سبکی در آثار پارسی پور، گلی ترقی و غزاله علیزاده، مونسان، فرزانه، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره سوم، شماره پیاپی ۲۱، پاییز ۱۳۹۲، صص ۴۷۵ تا ۴۹۶.
۱۳. سال بلوا، معروفی، عباس، تهران، چاپ دهم، ققنوس (۱۳۹۳).
۱۴. جلوه‌هایی از ادبیات سیاسی امروز ایران، سرشار، محمدرضا، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۱).
۱۵. چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد، زویا، تهران، چاپ پنجاه و سوم، انتشارات مرکز (۱۳۹۳).
۱۶. رود راوی، خسروی، ابوتراب، تهران، چاپ چهارم، نشر ثالث (۱۳۹۲).
۱۷. رویای تبت، وفی، فریبا، تهران، نشر مرکز (۱۳۸۴).
۱۸. نگران نباش، محب علی، مهسا، تهران، چاپ یازدهم، نشر چشمه (۱۳۹۰).
۱۹. بیدار دلان در آینه، آقایی، احمد، تهران، چاپ اول، انتشارات به نگار (۱۳۸۳).
۲۰. داستان‌نویسهای نام آور معاصر ایران، میرصادقی، جمال، تهران، چاپ اول، نشر اشاره (۱۳۸۲).
۲۱. نقدهایی بر ادبیات داستانی معاصر ایران، بهفر، مهری و کرم پور، فرزانه، تهران، نشر هیرمند (۱۳۸۴).
۲۲. درخت انجیر معابد، محمود، احمد، جلد اول، تهران، چاپ هشتم، نشر معین (۱۳۹۲).
۲۳. درخت انجیر معابد، محمود، احمد، جلد دوم، تهران، چاپ هشتم، نشر معین (۱۳۹۲).
۲۴. جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، زرافا، میشل، ترجمه نسرين پروینی، تهران، نشر سخن (۱۳۸۶).
۲۵. هنر رمان، کوندرا، میلان، ترجمه پرویز همایون پور، تهران، گفتار (۱۳۶۷).
۲۶. پژوهشهای میان رشته‌ای در مطالعات ادب فارسی، رحمدل، غلامرضا و فرهنگی، سهیلا، پژوهشهای ادبی، سال پنجم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۷، صص ۲۳ تا ۴۴.